

بررسی شکواییات در ادبیات منظوم معاصر*

(۱۳۵۰-۱۳۰۰)

لیلا خیاطان^۱

مربی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد سوسنگرد (خوزستان) - ایران

چکیده

یکی از موضوعات و مضامینی که از آغاز حیات شعر فارسی تاکنون، محتوای بخشی از سروده‌های هر شاعر را به خود اختصاص داده، شکواییه است. شکواییات بر اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال ناملازمات و محرومیت‌های وارده می‌سراید و از رنج و اندوه و ناکامی خود سخن می‌گوید. به نظر می‌رسد رسالت این مضمون که از فروع ادب غنایی به شمار می‌رود، فقط ادای ذهنیات و انتقال احساسات شخصی شاعر باشد، در حالی که کاوش در متن شکواییات، آگاهی‌های شخصی، اجتماعی و سیاسی فراوانی در پی دارد. بدین ترتیب با بررسی کلی شکواییات در دو بافت مختلف شعر معاصر (۱۳۵۰-۱۳۰۰) - به جهت رویکرد واقع‌گرایانه‌ای که در فضای این نوع اشعار جاری است - هر چند مایه‌ی درک بهتر و عمیق‌تر آن آثار فراهم می‌شود، اما شاید نتوان این موضوع را از موضوعات مهم شعر معاصر به شمار آورد. در این میان وقوف برمعانی، تنوع و طبقه‌بندی و در نهایت شناخت ابعاد و انواع مختلف شکواییات در آثار نخستین شاعران معاصر از نظر نگارنده دور نمانده است.

کلید واژه‌ها: شکواییه، ادب غنایی، شعر معاصر

مقدمه

زندگی همه‌ی انسان‌ها در این دنیا با درد و رنج همراه است و انسان به گونه‌ای آفریده شده که در مواقع درد و رنج، اندوه سراپای وجودش را فرا گرفته، آه و فغانش به آسمان می‌رسد و زبان به شکایت می‌گشاید. شکوه و شکایت واکنشی منفی است که انسان نسبت به شرایطی که بر او تحمیل شده و برایش تحمل‌ناپذیر است، نشان می‌دهد. در این میان حساسیت شاعران بیشتر از دیگران است. ایشان قادرند با کمک گرفتن از ذوق و استعداد خداوندی خود، در قالب الفاظی گیرا و جذاب به بیان دردها و رنج‌ها پرداخته و طوری سخن گویند که بر خوانندگان تأثیر گذاشته و آنان را با خود، هم احساس کنند، تا جایی که خواننده نیز درد خویش را در لابه لای این اشعار جسته و سعی می‌کند با خواندن این ابیات به آرامش روحی برسد. دردها و رنج‌ها حتی در شکل دادن به ابعاد شخصیت شاعر، طرز فکر و زبان و حتی لحن صدای او سهم به‌سزایی دارند. گفتنی است در اکثر آثار ادبی ایران از گذشته تا امروز زمینه‌ی اعتراض، انتقاد و شکایت فراهم بوده است.

قصیده‌ی مشهور "دندانیه" سابقه‌ی سرودن شکواییات را به سال‌های آغاز حیات شعر فارسی می‌رساند. این قصیده را رودکی سمرقندی در اواخر عمر و با موضوع افسوس و دریغ جوانی و رسیدن پیری سروده است. همخوانی و مطابقت آن با حوادث و وقایع زندگی شاعر، زوایا و لایه‌های پنهان زندگی وی را کشف و شناخت کامل‌تر درون مایه شعر او را میسر می‌سازد. براین اساس تحقیق و بررسی در این موضوع لازم به نظر می‌رسید.

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی مبنی بر مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت. با این که منابع اطلاعاتی محدود کتابخانه‌ای نتوانست به بسیاری از اما و اگرهای نگارنده در مسیر پژوهش، پاسخ مناسبی بدهد. اما به هر حال توقع نویسنده که ارائه مهم‌ترین شکواییه‌های منظوم معاصر با تکیه و تأکید بر آثار شاعران قدر اول معاصر بوده است، برآورده شد، گسترده‌ی این تحقیق از نظر زمانی به شعر معاصر از (۱۳۵۰-۱۳۰۰) و از نظر مکانی به ادبیات منظوم در ایران محدود می‌شود. لازم به ذکر است در این مقاله که خلاصه‌ای از یک

پژوهش مستقل و گسترده است، برای پیشگیری از اطاله‌ی کلام به ذکر محدودی از شواهد وامثله‌ی شعری اکتفا شده است.

ادبیات یا پیشینه‌ی تحقیق

اصولاً شکایت ریشه در ناملايمات و توقعات انسان دارد و محسوس‌ترین عکس‌العمل انسان در برابر معمای هستی است. در این میان شاعران که روحیه‌ی حساس‌تری دارند زودتر واکنش نشان داده و به کمک صور خیال در قالب الفاظی زیبا، شکایت نامه‌های تأثر برانگیزی سروده‌اند.

با این حال گفتنی است که این قبیل اشعار علی‌رغم وسعتی که در کل شعر و ادب فارسی دارند، کمتر مورد توجه محققین و منتقدین قرار گرفته است پس از بررسی دقیق پیشینه‌ی تحقیقاتی پژوهش حاضر، معلوم شد که در آثار زیر به طور کاملاً محدود و مختصر به این موضوع پرداخته شده است:

۱- «حبسیه در ادب فارسی از آغاز تا پایان زندیه» تألیف ولی الله ظفری، که ایشان در باب یکی از شاخص‌های شعر شکوایی آن هم در دو فصل کوتاه و مختصر پرداخته است. «سبک خراسانی» محمد جعفر محجوب و «شعر و ادب فارسی» زین العابدین مؤتمن نیز این موضوع را دستمایه‌ی ورود خویش به این عرصه قرار داده است و مهم‌ترین شکواییه‌ها را با اشاره‌ی کوتاهی بر محتوای آنها بر می‌شمارد

۲- «بث الشکوی» عنوان مقاله‌ای از قدمعلی سرامی است که در آن به شعر شکوایی و سابقه‌ی آن پرداخته و سپس آن را به ۵ دسته تقسیم کرده است. به هر حال این پژوهش با نیت گشودن فصل تازه‌ای در تحقیقات ادبی و بررسی یکی از رگه‌های دست نخورده‌ی مفاهیم و معانی شعری آن هم در دوره‌ای از تاریخ ادب فارسی انجام شد که دو بافت شعری مختلف- سنتی و نو- حضور فعال و مستقل دارند.

شکواییه چیست

شعر غنایی حاصل لبریزشدن احساسات شخصی شاعر و بیان هنری تصویرهای احساسی و عاطفی اوست در یک نظر ادبیات غنایی را می‌توان همچون دایره‌ای فرض کرد که شامل حلقه‌های متداخل و تودرتوی است؛ به طوری که هر یک از حلقه‌ها نسبت به دیگری پیوندی ناگسستنی دارند. این حلقه‌ها، همان انواع فرعی ادب غنایی هستند که اهم آنها عبارتند از: شعر ستایشی، تغزل، غزل عاشقانه و عارفانه، داستان‌های عاشقانه، هجو، شعر تغنّی، طنز، مرثیه، شکواییه، حبسیه و ... شکواییه در میان انواع فرعی مذکور، در عین دارا بودن وجوه تمایز؛ با اغلب آنها به ویژه حبسیه و مرثیه، مشترکات و پیوندهای عمیقی دارد.

«شکواییات به اشعاری اطلاق می‌شود که شاعر در قبال نامالایمات و محرومیت‌های وارده بسراید و حکایت از رنج و اندوه، یأس، ناکامی، تیره روزی و بدبختی گوینده‌ی آن کند. این نوع شعر به خصوص در ادبیات فارسی فراوان است. گذشته از مواردی که شاعر مواجه با بدبختی و ناکامی یا مصیبتی شده و از روی حقیقت زبان به شکوه و شکایت گشوده است، چنین به نظر می‌رسد که در مواردی نیز این شیوه را یکی از سنت‌های مطبوع و شیوه‌های ضروری شعر پنداشته و بی‌آنکه واقعاً رنج و المی احساس نماید، به سرودن اشعار شکواییه پرداخته است» (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۲۸۸)

عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر ایجاد شکواییه

در پاسخ به این پرسش که آیا عواملی وجود دارد که بتواند سبب پیدایش و عمومیت یافتن اشعار شکواییه شود باید گفت، که با توجه به اشعاری که در این زمینه سروده شده و نظر بسیاری از منتقدان، دو عامل فردی و اجتماعی، در آفرینش اشعار شکواییه مؤثرند. منظور از عامل فردی، خصوصیات روحی و روانی خود شاعر و میزان حساسیت او در برابر محیط پیرامونش و منظور از عامل اجتماعی، اوضاع حاکم بر جامعه‌ی عصر وی می‌باشد.

«زین العابدین مؤتمن» می‌گوید: «یکی از خصوصیات اخلاقی و ذاتی بشر این است که سعادت و خوشبختی را از لوازم ضروریه حیات می‌پندارد و وجود آن را موجب ادای تشکر و امتنان و تذکر نمی‌داند و هنگامی که غرق در شادخواری و شادکامی است، متوجه وضع و

حالت خود نیست ... مادام که عافیتی دارد قدر آن را نمی‌داند و چون به مصیبتی گرفتار شود؛ نظر به این که آن را از امور عارضی و غیر ضروری می‌داند، بانگ و فریادش بلند می‌شود و زبان به شکوه و شکایت می‌گشاید. در این میان طبقه‌ی شعرا که طبعاً مردمی زودرنج و کم حوصله و پرمدها و صاحب توقع هستند، بیش از دیگران اظهار تألم و تحسر می‌کنند.» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۲۸۵)

«زین العابدین مؤتمن» میزان توقع شاعران را با میزان محرومیت و شکایت ایشان مرتبط می‌داند و می‌گوید: «جای شگفت نیست اگر اشعار شکواییه که مربوط به احساسات شخصی شاعر است، بخش مهمی از آثار فکری بشر، به خصوص شعرای ایران را که شاید هم محیط نامساعد، نصیب بیشتری از نامرادی‌ها برای آنان فراهم آورده است، تشکیل دهد. پیداست هر اندازه توقعات و انتظارات شاعر بیشتر باشد، مراتب ناکامی و محرومیت او هم بیشتر است...» (همان: ۲۸۷)

بی‌اعتنایی به شعر و شاعری از دیگر عوامل شکوه آفرین بوده است. این رشته از اشعار را اغلب در آثار شاعران درباری و مدیحه سرا می‌توان جستجو کرد. یکی دیگر از عواملی که موجب گسترش اشعار شکواییه شده است، تضييع حقوق اجتماعی و طبیعی افراد و آگاهی آنان نسبت به این مهم است. یکی دیگر از مسایل قابل توجه در ایجاد این نوع شعر، بدبینی شدید شاعران است. نابسامانی وضع اجتماع و مشکلاتی که برای مردم از جهات مختلف به وجود آمده، باعث ناراحتی شعرا و بدبینی آنان نسبت به جهان و روزگار می‌شود.

گوناگونی و تنوع شکواییات

شکایت نامه‌ها در ادب فارسی از گستردگی و تنوع خاصی برخوردارند. و در همه سبک‌ها و قالب‌های شعری، با حجم‌های مختلف و موضوعات گوناگون سروده شده‌اند. شکواییات در شعر فارسی در قالب‌هایی مثل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، دوبیتی، ترجیح بند، ترکیب بند و مسمط آمده‌اند.

حجم آنها نیز مختلف است. گاه شاعر از ایجاز بهره جسته و در یکی، دو بیت شکایات خود را مطرح می‌سازد و گاه راه اطناب در پیش گرفته و یک قصیده طولانی را به این موضوع اختصاص می‌دهد. زبان شکواییات ساده و قابل فهم است و شاعران بدون تکلف و مغلق‌گویی، گلایه‌های خود را مطرح ساخته‌اند. نحوه‌ی بیان در شکواییات بدین صورت است که گاه شاعر به طور مستقیم و بدون هیچ ملاحظه‌ای گله و شکایت سر می‌دهد. گاه نیز جانب احتیاط را رعایت کرده و به طور غیرمستقیم اعتراض یا شکایت خویش را نسبت به افراد یا اوضاع جامعه بیان می‌دارد.

عواملی مانند: شرایط جسمی و روحی شاعر، وضع زندگی فردی و اجتماعی او، اوضاع سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه همه و همه در تنوع موضوعی و مضمونی شکواییات مؤثر بوده‌اند.

نگاهی به تاریخ ادبیات معاصر ایران

اگر شعر و ادب را آینه‌ای برای انعکاس حال و روز آن جامعه بدانیم، چاره‌ای نیست جز اینکه برای شناختن ابعاد انقلاب مشروطیت و برای دانستن حال و روز آن عصر، ادبیات آن روزگار را با دقت و جدیت مورد توجه و تأمل قرار دهیم. تازگی‌هایی که ادبیات ایران در عصر مشروطه پیدا کرد، هم از لحاظ مضامین و هم از لحاظ شیوه بیان، نشانگر آن بود که مشروطیت یکی از ماندگارترین تأثیرات خود را بر جامعه‌ی ایران گذاشته است. هر چند ادبیات در عصر مشروطه تا حد زیادی از مغلق‌گویی‌های خاص مجالس رسمی و ادبی گذشته رهایی یافت؛ و به یک ابزار مهم و مؤثر برای مبارزات سیاسی تبدیل شد. روشن‌فکران، آزادی خواهان، علما و روحانیون و حتی تجار عصر قاجار، شکل جدیدی از ادبیات ملی و سیاسی را پدید آوردند و با اصلاح اندیشه و گفتار، به مبارزه‌ی سیاسی پرداختند.

مطبوعات و روزنامه نگاران با استفاده از استعداد شعر و شاعری در راستای ابلاغ افکار و عقاید سیاسی و ملی، خواستار قانون‌طلبی و مشروطه خواهی شدند و به اقتضای آن که اکثر مخاطبان‌شان جوانان و مردم عامه بودند، به سادگی کلام روی آوردند. یکی دیگر از

ویژگی‌های موضوعی شعر این دوره، ظهور ادبیات کارگری است که خود می‌تواند موضوع تحقیقی جداگانه قرار گیرد. وطن پرستی که از درون مایه‌های شعر دوره‌ی مشروطه بود، در عصر رضاشاه کمتر دیده می‌شود. یک نوع تفکر سوسیالیستی نیز در ادبیات این دوره به چشم می‌خورد که بعد از عصر رضاشاه رشد کرد. در این دوره انتقادهای سطحی جایش را به انتقادهای بنیادی داد و زبان به شعر محض نزدیک‌تر شد. جنگ جهانی اول و دوم تغییر و تأثیر بسیاری در اوضاع و احوال ایران به وجود گذاشت. مهم‌ترین چهره‌های دوره رضاشاه نیما، شهریار، بهار و ... بودند. در هم شکستن نظام استبدادی رضاشاه بعد از جنگ و به وجود آمدن احزاب و روزنامه‌ها از عوامل تغییر در موضوعات ادبی است. ترجمه‌ی آثار ادبی مغرب زمین جای خود را در ادبیات باز کرد و مسأله اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰، باعث ایجاد دگرگونی در فضای شعر و ادب شد. شاعرانی مثل اخوان ثالث و فروغ فرخزاد از بهترین چهره‌های این دوره اند. شاعران در این دوره درگیر مسایل اجتماعی شدند و مسأله مرگ، یأس و ناامیدی از درون مایه‌های اصلی شعرشان شد. این ویژگی در نتیجه‌ی یأس و شکست بعد از کودتای ۲۸ مرداد پیش آمد. «از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ یکی از درون‌مایه‌های جالبی که در شعر این دوره به وجود آمد، ظهور نوعی عرفان بود که هیچ ارتباطی با تصوف سنتی و سلفی نداشت، بلکه کم و بیش تحت تأثیر تصوف بودایی و تصوف شرق دور- چین و ژاپن است. و بالاخره اینکه زبان شعر این دوره در سیر تکامل خود غنی‌تر شد و به اوج رسید. شاعران در این دوره به مسایل اجتماعی بیشتر متکی می‌شوند، تأمل می‌کنند، فکر می‌کنند و در حقیقت سعی می‌کنند که راه حل‌های عاقلانه‌ای برای مشکلات پیدا کنند.» (راوندی، ۱۳۸۲: ۳۸۱).

شکوائیه سرایی در ادب معاصر ایران

یکی از مسایل و موضوعاتی که از آغاز حیات شعر فارسی تاکنون سبب گستردگی مضمونی شکواییات در ادب فارسی گشته است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در شعر معاصر نیز تأثیر گذاشته، «موضوع قومیت، کوشش برای بیدار کردن حس وطن دوستی و انتقاد از عقب افتادگی‌های فرهنگی و فقر و نبودن آزادی و انتقاد از خرافات مذهبی» در

شعر عصر مشروطه است بدین جهت شعر فارسی در ضمن طرح و تجربه این مسایل نو، زمینه‌ی مناسبی برای رشد شکواییات فراهم دید. فراز و فرودهای اجتماعی - سیاسی ایران از اواسط حکومت قاجار تا پایان عصر رضاشاه به طور مستقیم و غیرمستقیم برکم و کیف و محتوای اشعار به ویژه شکواییات تأثیر گذاشت. در نتیجه‌ی مطالعه و بررسی شکایت نامه‌های منظوم معاصر، معلوم شد که هر چند این موضوع، می‌تواند سندیت و اعتبار لازم را برای خلق یک اثر ادبی داشته باشد، اما از موضوعات مهم شعر معاصر به حساب نمی‌آید.

انواع شکواییه

نظر به تنوع موضوعی شکواییه‌ها، طبقه‌بندی آنها دشوار است. با این همه از نظر محتوایی می‌توان آنها را به پنج دسته فلسفی، عرفانی، اجتماعی، سیاسی، شخصی - عاشقانه تقسیم کرد.

شکواییه شخصی - عاشقانه

این شکواییه‌ها که از قدیم الایام در بین شاعران پارسی‌گوی عمومیت داشته است، تقریباً در همه‌ی دواوین شعر فارسی یافت می‌شود. شاعر از ضعف جسمانی و پریشان حالی خویش گلایه می‌کند. بیماری و ضعف و ناتوانی و کاهش قوای جسمانی، خواری و بی‌کسی، تنهایی و بی‌همدمی، نداری و محرومیت‌هایی نظیر آن، موضوع این شکواییه‌هاست. بخش اعظم شکواییه‌های شخصی به ناکامی‌های عاشقانه تعلق دارد. شکواییه‌های عاشقانه نیز از موضوعاتی است که در ادوار مختلف شعر فارسی به شیوه‌های گوناگون توسط شاعران مطرح شده و کمتر شاعری را می‌بینیم که در این زمینه هنرنمایی نکرده و در قالب واژگانی پر تأثیر به بیان سوز و گداز درونی خویش نپرداخته باشد. در میان معاصرین شهریار که به دنبال عشقی ناکام، تحصیل طب را رها کرده و به خط شاعری افتاده بود، بیش از سایرین اشعاری در این موضوع سروده است.

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟ بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا؟
نوش دارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا؟...
(دیوان شهریار، ۱۳۷۷: ۷۹)

آوخ که یار با من افتاده یار نیست در کار من شتاب و عتابش به کار نیست
دل انتظار عاطفه دارد و لیک من از بخت بی عطوفتم این انتظار نیست...
(همان: ۱۲۷)

شکواییات شخصی - عاشقانه در دیوان شهریار، جایش را به حبسیات و مراثی در دیوان بهار می دهد.

مرا دلی است زدست زمانه غرقه به خون هزار لعنت به این زمانه ی ملعون
ز دستبرد حوادث دل و دماغ نماند که آن قرین ملال است و این دچار جنون ...
(دیوان بهار ۱۳۸۰: ۵۵۶)

بهار چندین مرثیه در سوگ پدر، مادر و شاعران هم عصر خود سروده است. البته شاید به توان حبسیات را در زمره ی شکواییات سیاسی گنجانند، زیرا به هر حال شعرا غالباً در اثر مبارزات سیاسی - اجتماعی به زندان می افتادند. از این دست شعر نیز در دیوان بهار فراوان است:

پانزده روز است تا جاییم در این زندان بود بند و زندان کی سزاوار خردمندان بود
کار نامردان بود سر پنجه با ارباب فقر آن که زد سر پنجه با اهل غنا، مرد آن بود...
(همان: ۴۶)

دردا دور کرد مرا چرخ بی امان ناکرده جرم، از زن و فرزند و خانمان
قانع شدم به عزلت و عزلت زمن رمید بر هرچه دل نهی ز تو بی شک شود زمان...
(همان: ۵۴۲)

در سراسر دیوان پروین اعتصامی که لبریز از مناظرات زیباست، جای شکواییات شخصی کاملاً خالی است. او در زندگی کوتاهش همچون همه ی انسان ها درد و رنج فراوانی متحمل شده است، اما صبوری، طاقت، مناعت طبع و بلند منشی اش مانع از آن بود که لب به شکایت گشاید و شکایت نامه شخصی سراید. در این میان فقط می توان به مرثیه ای که در سوگ پدرش سروده، اشاره کرد.

شکوایات در اشعار نیما با منظومه‌ی ۹۹ بیتی قصه "رنگ پریده، خون سرد" آغاز می‌شود، که در ردیف بهترین شکواییه‌های شخصی - عاشقانه معاصر است و شکایت از عشق در تمام این منظومه جاری است. این منظومه به طور کامل گزارشی از زندگی شاعر محزون و رنجور ماست.

ای دریغا روزگارم شد سیاه	آه از این عشق قوی پی آه! آه!
کودکی کو شادمانی‌ها چه شد؟	تازگی‌ها، کامرانی‌ها چه شد؟
چه شد آن رنگ من و آن حال من	محو شد آن اولین آمال من
شد پریده رنگ من از رنج و درد	این منم رنگ پریده خون سرد...

(مجموعه اشعارفارسی نیما، ۱۳۸۹: ۱۹)

اشعار شکوه آمیز در سه دفتر اول شعری فروغ، بیشتر شکوایات شخصی و عاشقانه است. وجود این شکوایات دلیل بر این است که شاعر در بهترین دوران عمرش با مشکلات خانوادگی و عاطفی دست و پنجه نرم کرده است.

من به مردی وفا نمودم که او	پشت پا زد به عشق و امیدم
دست بردار از این هیکل غم	که ز ویرانی خویش است آباد
دست بردار که تاریکم و سرد	چون فرو مرده چراغ از دم باد...

(مجموعه سروده‌های فروغ فرخ زاد، ۱۳۸۳: ۵۶)

رانده ام همه از درگه خویش	پای پر آبله، لب پر افسوس
می‌کشم پای بر این جاده‌ی پرت	می‌زنم گام در این راه عبوس ...

(همان: ۸۱)

در شکوایات شاملو یک هم آمیختگی موضوعی به چشم می‌خورد، به عبارت بهتر شاعر در ضمن سرودن یک شکواییه شخصی، گریزی به اعتقادات فلسفی خود یا نگرش و جهان بینی خود یا نظرگاه‌های سیاسی - اجتماعی خود می‌زند. از این رو می‌توان شکوایات شاملو را نوع تازه‌ای از شکواییه در تاریخ شعر فارسی به شمار آورد. شاملو در مواردی از پیری و درد و رنج ناشی از فرا رسیدن آن و از مرگ و پایان زندگی نیز شکایاتی داشته

است. در مجموعه اشعار اخوان ثالث نیز هم شکواییات شخصی - عاشقانه و هم حبسیه دیده می‌شود.

از بس که ملول از دل دلمرده ی خویشم هم خسته بیگانه هم آزرده خویشم
(اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۴۰۷)

چو گل در دست بیداد تو پرپر شد نگاه من چنان که اندر سرای سینه ره گم کرد آه من
تو با او رفتی و رفت آنچه با من نور و شادی بود کنون من در پناه باده، و غم در پناه من
(همان: ۴۱۱)

شکواییه فلسفی

در این شکواییات، شاعر از دستگاه آفرینش، گردش آسمان، ناسازگاری بخت، ناپیدایی غایت امور، ناپایداری و پوچی پدیدارها و همه‌ی گنگی‌های معمای وجود شکایت دارد. این نوع شکواییه در سروده‌های معاصرین کمتر دیده شد. با این همه انتظار می‌رفت در میان سروده‌های شاعرانی نظیر بهار، پروین و شاملو به مواردی در این موضوع دست یابیم. پس از بررسی دقیق، شکایت از تاریکی ذهن و اندیشه و نداشتن تفکری روشن و راحت را در شعر شاملو یافتیم که شاید در این مقال بگنجد.

همچو بوتیمار مجروحی - نشسته بر لب
دریاچه‌ی شب - می‌خورد اندوه و شام گاه
اندیشناک و خسته و مغموم
کاج‌های پیر تاریک‌اند و در اندیشه‌ی تاریک
من غمین و خسته و اندیشناک
چون غروب شدم
چون کاج‌های پیر تاریک‌ام که
نپنداری
دیدگاهی هست
تا خورشید

(شاملو، ۱۳۸۵: ۲۳۸)

بر جانم نتابیده است

در میان اشعار بهار شکایاتی در نکوهش چرخ و شکایت از خالق به چشم می‌خورد.

ویحک ای افراشته چرخ بلند
چند داری مر مرا زار و نژند
خستن روشن ضمیران تا به کی
کشتن آزاد مردان تا به چند؟

(دیوان بهار، ۵۳۱: ۱۳۸۰)

غم زمانه به سختی گرفته دامانم
بیسته بود به من بخت این چنین میثاق
ز بی وفایی این بخت سست پیمانم
که من بخوابم واو خود بود نگهبانم
کنون بخفته مرا بخت و من چو مشتاقان
نشسته بر سر او لای لای می خوانم

(همان: ۱۶۰)

در میان اشعار پروین نیز ابیاتی در این موضوع دیده می‌شود.

میزبانی نکند دهر سیه کاسه
منشین بیهوده بر سفره الوانش

(دیوان پروین، ۱۳۷۸: ۴۲)

فلک ای دوست به شطرنج همی ماند
که زمانیت کندمات و گهی فرزین

(همان: ۹۰)

شکوائیه سیاسی

در این شکوائیه، شاعر از حاکمان و مدیران سیاسی جامعه شکایت می‌کند. هر چند اشعاری که شاعر در آن‌ها به طور صریح از اوضاع سیاسی وقت انتقاد می‌کند، در ادبیات فارسی فراوان نیست. ولی به هر حال شکایت از ستم‌کاری زمامداران، شکایت از نادانی ایشان، شکایت از کارگزاران حکومت از موارد اصلی شکوائیه‌های سیاسی است. گفتنی است این نوع شکوائیه در اکثر آثار معاصرین به چشم می‌خورد. شهریار با آنکه فعالیت سیاسی قابل ملاحظه‌ای ندارد، اما شکواییاتی با این موضوع سروده است.

روسپاهی از زغال ای شیر شیطان خورده‌ها
باز شیطان برده‌ها، خیکی به بار آورده‌ها
مال مردم خورده‌ها ناچار رودل می‌کند
یک دهن غیسان کنید ای خون مردم خورده‌ها...

(دیوان شهریار، ۱۳۷۷: ۹۳)

در سروده‌های ملک الشعرای بهار که مدت‌ها به فعالیت‌های سیاسی و روزنامه نویسی

اشتغال داشته، با شکواییات سیاسی و همچنین حبسیات بسیاری روبه رو می‌شویم.

شریر قاضی و رهزن امین و دزد عسس
از این دیار بیایید برون جهان داران فرس
فتاده کارمان با جماعتی که بوند
همه عوان و همه خونی و همه ناکس...
(دیوان بهار، ۱۳۸۰: ۵۴۹)

مانده ام در شکنج رنج و تعب
زین بلا وارهان مرا یا رب
دلَم آمد درین خرابه به جان
جانم آمد در این مگاک به لب...
(همان: ۴۶۲)

پروین اعتصامی نیز اوضاع سیاسی جامعه‌ی خویش از زیر نظر داشته و به صورت
تلویحی به آشفتگی وضع و حال سیاسی دوران خویش اشاره کرده است.

روزی گذشت پادشهی از گذرگهی
فریاد شوق بر سر هر کوی و بام خاست

پرسید زان میانه یکی کودکی یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
(دیوان پروین، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

روز شکار، پیرزنی با قباد گفت
روزی بیا به کلبه‌ی ما از ره شکار
کز آتش فساد تو، جز دود و آه نیست
تحقیق حال گوشه نشینان گناه نیست
(همان: ۲۷۷)

«داروگ» از جمله شکوایات سیاسی نیماست که با این بند آغاز می‌شود.

خشک آمد کشت گاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند: می‌گریند روی ساحل

نزدیک، سوگواران در میان سوگواران

(مجموعه فارسی اشعار نیما، ۱۳۸۹: ۲۵۱)

نیما همچون هم‌های شاعرانی که شکوایات سیاسی سروده‌اند، جانب احتیاط را رعایت
کرده و بی‌پروا به انتقاد از اوضاع سیاسی وقت نمی‌پردازد. وی در شعرهایی نظیر «جاده
خاموش است»، «شب است»، «خانه‌ام ابری است»، «سوی شهر خاموش» ... که همه و همه
از جمله شکایات منظوم سیاسی وی به شمار می‌روند، جانب احتیاط را رها نمی‌کند. در
میان سروده‌های فروغ نشانی از شکایات سیاسی دیده نمی‌شود.

فعالیت سیاسی شاملو پس از کودتای ۲۸ مرداد سبب شد تا وی یک سال از عمرش را در زندان بگذراند. گرایش کوتاه مدت اخوان به سیاست به برخی از شکایات او رنگ و بوی سیاسی داده است:

شادی نماند و شور نماند و هوس نماند سهل است این سخن که مجال نفس نماند
فریاد از آن کنند که فریاد رس رسد فریاد را چه سود که فریاد رس نماند...
(اخوان ثالث، ۱۳۶۸: ۴۰۲)

اگر حبسیه را در شمار شکایات سیاسی بیاوریم، لازم است حبسیات اخوان مورد بررسی قرار گیرد:

در این زندان برای خود هوای دیگری دارم جهان گو بی صفا شو، من صفای دیگری دارم
اسیرانیم و با خوف و رجا درگیر، اما باز در این خوف و رجا من دل به جای دیگری دارم

(همان: ۸۲)

شکوایه‌های اجتماعی

در این دسته از سروده‌ها، شاعران از نابرابری‌های اجتماعی، نادانی و فساد اخلاقی عوام و ناملایماتی از این قبیل شکایت دارند. جوهره‌ی اصلی این شکوایه‌ها، ناهماهنگی میان جامعه‌ی آرمانی شاعر با جامعه‌ای که خود در آن به ناکامی زندگی کرده است می‌باشد. ملک الشعراء بهار بارها از دست جهل عوام و مفسدات خواص شکایت داشته است.

هیچ دانی که چه کردیم به مادر من و تو؟ یا چه کردیم به هم، جان برادر من و تو؟
سعی کردیم به ویرانی کشور من و تو رو که اف بر تو و من باشد و تف بر من و تو
(دیوان بهار، ۱۳۸۰: ۲۱۵)

از عوام است هر آن بد که رود بر اسلام داد از دست عوام
کار اسلام زغوغای عوام است تمام داد از دست عوام

(همان: ۲۷۳)

دیوان پروین را که بررسی کنیم در میان مناظراتش چند شکوایه اجتماعی دیده می‌شود.

به سر خاک پدر، دخترکی
صورت و سینه به ناخن می‌خست
که نه پیوند و نه مادر دارم
کاش روحم به پدر می‌پیوست
پدرم مرد زبی داوئی
و ندرین کوی، سه داروگر هست
(دیوان پروین اعتصامی، ۱۳۷۸: ۱۶۲)

در میان اشعار نیما یوشیج نیز شکواییاتی دیده می‌شود که بن مایه‌های اجتماعی دارند
نظیر قطعه "آی آدم‌ها"

آی آدم‌ها که بر ساحل نشست، شاد و خندانید
یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان
یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند ...
(مجموعه‌ی اشعار فارسی نیما، ۱۳۸۹: ۴۴۵)

خانه ام ابری است
یکسره روی زمین ابری است با آن
از فراز گردنه، خرد و خراب و مست
باد می‌پیچد
یکسره دنیا خراب از اوست

(همان: ۷۶)

شکایت یکی از رگه‌های اصلی محتوای برخی سروده‌های اجتماعی فروغ را نیز تشکیل
می‌دهد. شکایت از کسی که به فکر گل‌ها نیست، به فکر ماهی‌ها نیست ... همه و همه
فضای یأس آلودی را نشان می‌دهد که شاعر در آن با زبانی غیرمستقیم، اضطرابات محیط
اجتماعیش را بیان می‌کند.

کسی به فکر گل‌ها نیست
کسی به فکر ماهی‌ها نیست
کسی نمی‌خواهد
باور کند که باغچه دارد می‌میرد
(مجموعه سروده‌های فروغ فرخزاد، ۱۳۸۳: ۱۵۱)

دلم گرفته است
 به ایوان می‌روم و انگشتانم را
 بر پوست کشیده شب می‌کشم
 چراغ‌های رابطه تاریکند

(همان: ۳۶۵)

تیرگی روابط یکی از محصولات عصر مدرنیته است. شاعر بر گرفتگی و تاریکی چراغ‌های رابطه که نشانه‌ی رشد اجتماعی شعر او می‌باشد، تأکید دارد. در میان اشعار شاملو نوعی ناامیدی و یأس مطلق پیداست، در شعر "از مرز انزوا" هم تنهایی شاعر و هم شکایت او از جامعه دیده می‌شود. به عبارت دیگر تاریکی، تنهایی و خاموش بودن شاعر نشانه‌ی شکایت جدی وی از محیط اجتماعی اوست.

ما در ظلمت‌ایم
 بدان خاطر که کسی به عشق ما نسوخت
 ما تنه‌ایم
 چرا که هرگز کسی ما را به جانب خود
 نخواند
 ما خاموش‌ایم
 زیرا که دیگر هیچ گاه به سوی شما باز نخواهیم آمد

(شاملو، ۱۳۸۵: ۳۰۲)

قطعه شعر معروف «زمستان» از شکواییات اجتماعی - سیاسی اخوان است. اخوان در مقام یک شاعر، حوادث زمانش را به چشم دیده و سخت تحت تأثیر محیط اجتماعی و شرایط سیاسی حاکم بر آن قرار گرفته و در قطعه‌ی "زمستان" به این شرایط اشاره می‌کند:

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت
 سرها در گریبان است
 کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را
 نگه جز پیش پا را دید، نتواند

که ره تاریک و لغزان است ...

(اخوان، ۱۳۸۱: ۴۸)

حاصل سخن

شکواییه ندای درون شاعر است و منشأ آن می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. نوع، کیفیت و کمیت آنها بستگی به میزان حساسیت وی در برابر ناملایمات و ناکامی‌ها دارد. شکواییه‌های شخصی، فلسفی و تا حدودی عاشقانه در طول تاریخ شعر فارسی توسط اکثر شاعران مطرح شده است. اما شکواییه‌های اجتماعی - سیاسی به دوره‌هایی از تاریخ اختصاص دارد که نابسامانی، آشفتگی، ظلم و نابرابری بر جامعه حکم فرما بوده است. بالاخره اینکه یکی از موضوعات و اغراض مهم و مناسب شعری که در طول تاریخ شعر فارسی از آغاز تاکنون محتوای بخشی از سروده‌های هر شاعر را به خود اختصاص داده، شکواییه نام دارد. نگارنده پس از کاوش در متن آثار شاعران معاصر از (۱۳۵۰-۱۳۰۰) و دست یافتن به شکواییات و محتویات آنها دریافت که بهار، پروین و شهریار با آنکه از جمله برجسته‌ترین شاعران سنتی سرای معاصرند، اما مبانی فکری شکواییاتشان با یکدیگر متفاوت است. ملک الشعرا بهار به واسطه‌ی فعالیت‌های سیاسی و حبس‌های متعدّدش بیشتر از سایرین شکواییه‌ی سیاسی دارد و از این حیث می‌توان او را در کنار اخوان و شاملو که از بزرگ‌ترین نوسرایان معاصرند قرار داد زیرا ایشان نیز بیش از سایرین شکواییه سیاسی سروده‌اند. شهریار به دلیل شکست عشقی در ایام جوانی، نسبت به بهار و پروین شکواییه شخصی و عاشقانه‌ی بیشتری دارد. از این نظر شاید بتوان یکی از اشتراکات مضمونی میان شکواییات شهریار و فروغ فرخزاد را همین مسایل شخصی و عشقی دانست. هرچند بخت با پروین اعتصامی در زندگی شخصی‌اش یار نبود، ولی به دلیل مضمون اشعارش که بیش‌تر تعلیمی هستند، شکواییه اجتماعی بیشتری سروده است. لازم به ذکر است که پروین کمتر از سایرین لب به شکایت و شکایت نامه شخصی گشوده است. با مقایسه‌ی نوع شکواییات در اشعار شاعران مورد بحث دریافتیم که شکواییات شخصی، اجتماعی و سیاسی بیشترین میزان کاربرد را در مجموعه اشعار ایشان دارد. تنها نوع

شکواییه‌ای که در آثار ایشان مشاهده نشد شکواییه عرفانی بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها شکواییه را می‌توان به عنوان یک موضوع و مضمون شعری پذیرفت، بلکه می‌توان ادعا کرد که شکواییات معاصرین نیز مانند شکواییات گذشتگان قابل طبقه‌بندی است. مطالعه شکواییات ایشان، خواننده را به شناخت بهتر و کامل‌تری از محتوای آثارشان می‌رساند.

منابع و مأخذ

- ۱- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۷)، تو را ای کهن بوم وبر دوست دارم. تهران: مروارید.
- ۲- ----- (۱۳۴۹)، از این اوستا. تهران: مروارید. چ دوم.
- ۳- ----- (۱۳۸۱)، زمستان. تهران: زمستان.
- ۴- اسفندیاری، علی (۱۳۷۵)، دیوان شعر. تهران: نگاه.
- ۵- ----- (۱۳۸۹)، مجموعه کامل اشعار. تهران: نگاه.
- ۶- اعتصامی، پروین (۱۳۷۸)، دیوان شعر. تهران: علی بن ابیطالب.
- ۷- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷)، دیوان اشعار. تهران: نگاه.
- ۸- ----- (۱۳۸۷)، دیوان اشعار. ۲ جلد. تهران: توس.
- ۹- بهجت تبریزی. محمد حسین (۱۳۷۷)، دیوان اشعار. تهران: زوآر.
- ۱۰- حسین زاده، شهربانو (۱۳۸۷)، بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر. شیراز: نوید.
- ۱۱- شاملو، احمد (۱۳۸۵)، دفتر یکم شعرها. تهران: نگاه.
- ۱۲- شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، انواع ادبی. تهران: باغ آینه.
- ۱۳- شکیبیا، پروین (۱۳۷۰)، شعر فارسی از آغاز تا امروز. تهران: هیرمند.
- ۱۴- صفی زاده، فاروق (۱۳۹۰)، تاریخ ایران از پیش از تاریخ تا انقلاب اسلامی: مدحت.
- ۱۵- فرخزاد، فروغ (۱۳۸۱)، دیوان شعر. تهران: مجید.
- ۱۶- ----- (۱۳۸۳)، مجموعه سروده‌ها، تهران: شادان.
- ۱۷- کاخی، مرتضی (۱۳۷۰)، باغ بی برگی. تهران: ناشران.
- ۱۹- مؤتمن، زین العابدین (۱۳۴۶)، شعر و ادب فارسی. تهران: بنگاه مطبوعات افشاری.
- ۲۰- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۵)، تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲) تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.